

دیانت حقیقت است و حقیقت تعدد نمی پذیرد

یکی از اساسی ترین تعالیم بهائی وحدت اساس ادیان است. این تعلیم را شاید بتوان شاه بیت قصیده جمال اقدس ابهی دانست اقوال حضرت عبدالبهاء در تبیین این تعلیم بیش از حدی است که نقل آنها امکانپذیر باشد. از جمله می فرمایند:

”اساس ادیان الهی يك اساس است. يك حقیقت است. يك روح است. يك نور است. تعدد ندارد.“ (۱) و همچنین می فرماید: ”اساس ادیان الهی یکی است، حقیقت است و حقیقت تعدد و تجزی قبول ننماید.“ (۲) و همچنین می فرماید: ”اساس ادیان الهی یکی است و مقصد امم و مذاهب عالم مقصد واحد.“ (۳) و اقوال مبارکه از این قبیل فراوان است و نقل آنها امکان پذیر نیست.

علی الاصول طرز تلقی مفهوم دیانت در امر بهایی مستلزم وحدت ادیان است: یعنی بهائیان برآنند که سلسله جمیع ادیان از ابتدای تاریخ بشر تاکنون و از هم اکنون تا فرجام جهان (۴) در طی

سراسر زمان شخصیت روحانی واحدی است که ثبات ذات آن پیوسته محفوظ است و همان گونه که فردی از نوع انسان از بدو ولادت تا زمان ممات با همه تطوری که در طی دوره حیات می پذیرد و شخص واحدی می ماند و این شخص همواره همان است که بود و پیوسته همان خواهد بود که هست. ادیان الهیه نیز از آغاز تا پایان بی پایان بر حسب ذات بیش از یک دین نمی توانند بود اگر چه بر حسب زمان و به اقتضای وقوع در مراحل مختلف رشد معنوی نوع انسان تغییر پذیرد. مقصود این است که حقیقت دین چون ناشی از ذات مطلق الهی است از ابتدا در حد خود کامل است و تنها از آن لحاظ که به نوع انسان در عالم خلق تعلق می جوید به تناسب تکامل حیات انسانی در مراحل رشد روحانی در معرض اقسام تحول قرار می گیرد و از همین جا فروع و حواشی و احکام و حدود ادیان تبدیل می پذیرد و در ورای این احوال متغیر شخصیت ثابت و واحد دیانت همچنان محفوظ می ماند، بدین ترتیب حقیقت دین را جوهر واحدی می دانیم که اعراض آن مثل سایر امور بر حسب زمان دیگرگون می شود و البته این دگرگونی عرضی نباید مانع توجه ما به وحدت ذاتی ادیان باشد.

حضرت عبدالبهاء قریب هفتاد سال قبل از این تاریخ در این باره می فرمایند: "ملاحظه کنید که انسان از بدایت حیات تا نهایت در جمیع اطوار یک شخص است همین طور دین الله در جمیع ادوار یک دین است." (۵) و همچنین می فرمایند: "این اختلافی که ملاحظه

می کنید در ادیان الهی مثل اختلاف انسان است از بدایت حیات تا نهایت حیات... انسان... هر قدر... به حسب ظاهر اختلاف دارد ولی باز انسان واحد است. همینطور دین الهی هر چند ظواهر آن در ایام انبیاء مختلف است لکن حقیقت واحد است." (۶)

به اعتقاد ما اهل بهاء این حقیقت یعنی وحدت اساس ادیان را پیروان همه ادیان قبول داشته و یا لاقلاً پیشوایان ادیان همواره به تاکید درباره آن پرداخته اند. در این مقام از سایر ملل صرف نظر می کنیم و تنها به ذکر شواهدی از قرآن مجید می پردازیم.

در این کتاب کریم در چندین مقام می بینیم که ادیان سایر انبیاء را قبل از ظهور دین مبین محمدی به نام اسلام نامیده اند. از جمله سلیمان را به اسلام ستوده اند، قوله تعالی: "قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین." (۷)

از جمله دین ابراهیم را اسلام دانسته و تبعیت از آن را به نام دین حنیف واجب شمرده اند، قوله تعالی: "فاتبعوا ملة ابراهيم حنیفا و ما کان من المشرکین." (۸) و "من احسن دینا من اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع ملة ابراهیم حنیفا." (۹) "و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ابیکم ابراهیم هو سمیکم المسلمین من قبل." (۱۰) "و من یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدنیا و انه فی الاخره لمن الصالحین اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمین." (۱۱) و یعقوب را با فرزندان او جملگی مسلمان نامیده اند. قوله تعالی: "و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم

الدين فلا تموتن الا و انتم مسلمون. " (۱۲) و " اذ حضر يعقوب الموت
اذ قال لبيته ما تبعدون من بعدى قالوا نعبد الهك و اله آباءك ابراهيم و
اسماعيل و اسحق الها واحدا و نحن له مسلمون. " (۱۳)

و عيسى و حواريون او را جزو مسلمين آورده اند، قوله تعالى:
" فلما احس عيسى منهم الكفر قال من انصاري الى الله قال الحواريون
نحن انصار الله امنا بالله و اشهد بانا مسلمون. " (۱۴)

این آیات به صراحت حکایت از آن دارد که ادیان و مذاهب
ابراهيم و اسحق و يعقوب و سليمان و عيسى که صدها و هزارها سال
قبل از ظهور دين محمد مصطفى (ص) پديد آمده و از حيث اسامی
انبیاء و عناوین کتب و جزئیات احکام متفاوت بوده اند، معذک
جملگی را می توان به اسم واحد اسلام موسوم داشت و این خود دليل
بر آن است که همه ادیان با وجود اختلاف شرايع و حدود و اعراض،
مراحل متعدد از حقیقت واحده اند و با توجه به همین وحدت معنی به
حکم قرآن می توان عنوان عام همه آنها را اسلام دانست. اهل بهاء
این امر را در این زمان یعنی در زمان تالی ظهور رسول اکرم نیز
صادق می دانند.

اینان انکار نمی کنند که بر طبق یکی از حقایق تعالیم قرآن مجید
اسلام دینی است که هر گاه غیر از آن دین دیگری اختیار شود،
مقبول خدا نمی تواند بود، قوله تعالى: " ان الدين عند الله الاسلام. "
(۱۵) و " و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره
من الخاسرين. " (۱۶)

اینان اقرار می نمایند که محمد مصطفی (ص) خاتم انبیاء بود و نبوت و رسالت به ذات وی انجام گرفت، چنان که در ازل به ذات وی آغاز شد و پیوسته در طی زمان به ذات وی امتداد خواهد پذیرفت. اینان با شیخ فرید الدین عطار (۱۷) هم‌زمانند که خطاب به رسول اکرم گفت:

هر که بود از انبیاء و از رسل جمله با دین تو آیند از سبیل هم پس و هم پیش از عالم توئی سابق و آخر به عالم هم توئی چون نیامد بیش پیش از تو یکی از پس تو نیز ناید بی شکی بیان مبارك جمال اقدس امبی را که یکصد و بیست سال قبل از زمان ما در کتاب مستطاب ایقان آورده اند باید خواند تا توجه یافت که بر حسب اعتقاد اهل بهاء چنانکه قبل از ظهور حضرت محمد مصطفی (ص) هر دینی دین او بود و هر رسولی عین ذات او را داشت، پس از ظهور آن حضرت نیز چون حقیقت دین وحدت دارد، هر دینی در اساس خود همان دین است ولو اختلاف در ظواهر و حدود و شرایط به اقتضای زمان لازم افتد. (۱۸)

هر رسولی مبعوث شود، روح قدسی او جز نفس مبارك خاتم انبیاء نیست ولو در اسم و رسم و قوم و قبیله تفاوت جوید. به همین جهت بهائیان بر آنند که با ظهور امر بهائی دین مبین اسلام از لحاظ ذات خود کماکان معتبر می ماند و هرگز از مخالفت با آن سخن به میان نمی آید. بهائیان چون اسم حضرت بهاء الله را به زبان می آورند در حقیقت از حضرت محمد بن عبدالله و از سایر مظاهر الهیه نام

می برند، چون در سراسر اروپا و افریقا و آسیا و اقیانوسیه و امریکا به نام امر بهائی تبلیغ می کنند در حقیقت مردم را به اصول دین اسلام که مطابق با حقایق جمیع ادیان است، فرا می خوانند زیرا جوهر این دو دین و سایر ادیان را یکی بیشتر نمی دانند، قوله تعالی: "آمنّا بالله و ما انزل علینا و ما انزل علی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون." (۱۹)

بهائیان ایران از تهمت مخالفت با اسلام که برخی از مردم بر آنان می بندند از صمیم دل شکایت دارند و تصور این معنی را برای هیچکس به شرط مراعات انصاف میسر نمی شمارند. هرگاه لازم آمده است که در بعضی از فروع احکام و در آنچه مربوط به ظواهر شرعی و عرفی یا اعراض مکانی و زمانی است، تغییری پیش آید و این تغییرات ناگزیر می بایست حاصل شود زیرا اقتضای زمان و اقتضای امر واقع در زمان این است که همراه با تحوّل و تغییر باشد، هرگز بدان معنی نیست که در بین امر بهائی و دین اسلام یا در بین امر بهایی و سایر ادیان تصور مخالفت توان نمود. حضرت عبدالبهاء می فرماید: "شریعت الله بر دو قسم منقسم: يك قسم اصل اساس است... این تغییر و تبدیل نمی کند... ابتدا نسخ نمی شود بلکه تا ابد الابد مرعی و برقرار است... قسم ثانی از شریعت الله که تعلق به عالم جسمانی دارد... در هر دوری از ادوار انبیاء تبدیل و تغییر یابد... به اقتضای زمان لابد از تغییر و تبدیل است." (۲۰) و همچنین

می فرماید: " هر دینی به دو قسم منقسم است: قسمی اصل است... و آن یکی است، ابتدا تغییر ندارد... قسمی دیگر فرع است... این در هر زمانی به اقتضای آن زمان تغییر یابد. " (۲۱)

مقصود از این تفصیل نسبی که داده شد این است که شیوع سوء تعبیر مانع آشنایی دوستان غیر بهایی با عقاید اهل بهاء نباشد و به یقین مبین بدانند که هرگاه روزی شخص بهایی به خاطر خویشتن خطور دهد که امر بهایی مخالف حقایق یکی از ادیان الهی است، در همان حین دیگر نمی تواند خود را بهایی بینگارد و اگر خود چنین نکند امر بهایی او را بر کنار می دارد.

این تقریر بطور کلی و با توجه به حقایق جمیع ادیان و وحدت مبادی آنها با یکدیگر بعمل آمد. ولیکن در آنچه بالاخص به دین اسلام ارتباط دارد، شواهد فراوان از آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالهء و حضرت ولی امرالله می توان آورد تا با استناد به نصوص کلمات شارع امر بهایی و مبین آیات او طرز تلقی اهل بهاء از آن دین مبین معلوم گردد. در آثاری که از قلم جمال قدم نازل شده است و اهل بهاء با تلاوت آنها دعا به درگاه خدا می کنند بارها می بینیم که به نام محمد مصطفی و به یاد آن سرور انبیاء همدم و دمساز می شوند. حتی به تعلیم حضرت بهاء الله از خدا می خواهند که آنان را از شفاعت رسول اکرم بی نصیب نگرداند. از جمله در یکی از این ادعیه چنین می آید:

"الصلوه و السلام على مطلع الاسماء الحسنی و الصفات العلیا
الذی فی کل حرف من اسمه کنزت الاسماء و به زین الوجود من الغیب
و الشهود و سمی بمحمد فی ملکوت الاسماء و باحمد فی جبروت البقاء." (۲۲)

و از جمله چنین می آید: "اشهد یا الهی بما شهد به انبیاءک و
اصفیاءک و بما انزلته فی کتیبک و صحفک. اسالک باسرار کتابک و
بالذی به فتحت ابواب العلوم علی خلقک و رفعت رایه التوحید بین
عبادک بان ترزقنی شفاعه سید الرسل و هادی السبل و توفقنی علی ما
تحب و ترضی" (۲۳)

و از جمله چنین می آید: "اسالک یا فائق الاصباح و مسخر
الاریاح بانبیائک و رسلک و اصفیائک و اولیائک بالنور الذی اشرق من
افق الحجاز و تنورت به یثرب و البطحاء و ما فی ناسوت الانشاء بان
توید عبادک علی ذکرك و ثنائک و العمل بما انزلته فی کتابک." (۲۴)

از این سخنان فراوان می توان آورد تا هر یک شاهدی بر این
باشد که بهائیان از بيمبر نام آور اسلام چگونه نام می برند و او را
در کدام مقام می دانند. از جمله شروط لازمه اعتقاد هر کسی به امر
بهائی این است که اسلام را بپذیرند. این دین مبین را دین خدا و
رسول اکرم را سرور اصفیا بشمارد. حضرت ولی امرالله در کتابی
خطاب به بهائیان ممالک متحده امریکا که ترجمه آن به زبان فارسی به
نام ظهور عدل الهی انتشار یافته است، به صریح بیان می فرمایند که
بهائیان آن سامان باید درس قرآن بخوانند، باید اسلام را چنانکه باید

بشناسند و سوء تعبیر نسبت به این دین مبین را که در میان غربیان فراوان است، مرتفع سازند. (۲۵) از آن زمان در اکثر مدارس بهائیان در امریکا و اروپا تدریس قرآن بحث درباره عقاید اسلامی و توجیه این عقاید جزو رؤوس دروس گردید.

در آثار حضرت عبدالبهاء در مفاوضات و مکاتیب و خطابات به کرات و مرات می بینیم که چگونه سعی در اثبات اسلام در مقابل اشخاص غیر مسلم فرموده اند. چگونه با سعی بلیغ کوشیده اند تا حقانیت حضرت محمد را به صریح بیان معلوم دارند. چگونه اصرار ورزیده اند تا نشان دهند که قرآن مجید مشحون از حقایق اخلاقی و علمی است. چگونه بر آن رفته اند تا هر گونه تمهتی را که به حکم اغراض در مغرب زمین بر دیانت اسلام و شارع مقدس آن وارد آورده اند، مرتفع سازند (۲۶) چگونه در کنائس یهود و معابد نصاری در اروپا و امریکا برخی از خطابات خود را منحصر به تقریر حقایق اسلام و اثبات نبوت خیر الانام داشته اند. (۲۷)

نظری به لوحی که از قلم حضرت بهاء الله در زیارت سیدالشهداء روح الوجود له الفدا نازل شده است، می توان انداخت تا معلوم گردد که پایه سخن را در حق آن امام همام تا کجا فرا برده اند. از جمله فرموده اند که وجود مسعود او را همتائی در جهان نمی توانست بود. "لولاہ لم یکن مثله فی الملک" از جمله ارواح ملاء اعلی را فدای مصیبت آن "فرزند سدره منتهی" و "سر مستور کلمه علیا" خواسته اند: "ارواح الملاء الاعلی لمصیبتک الفداء یا ابن سدره المنتهی

و السر المستسر في الكلمه العليا. " از جمله شهادت آن فخر اولیاء را در حکم " توقف قلم تقدیر " و " تزلزل ارکان عالم " شمرده اند. " لمصیبتك توقف قلم التقدير و تزعزت ارکان العالم و کاد ان يرجع الوجود الى العدم ". از جمله وجود او را ثمره بعثت انبیاء دانسته اند: " لولاك ما تجلی الرحمن لابن عمران في طور الايقان. " (۲۸) و البته این مطالب که اندکی از بسیار است در اثبات این حقیقت کفایت دارد که هیچکس به نام متدین به امر بهایی نمی تواند، خویشتن را مخالف دین مبین اسلام بخواند. اسلامی که حقیقت آن حقیقت جمیع ادیان است و این حقیقت از ازل تا ابد ثابت و واحد و باقی بوده و هست و خواهد بود. " لا تبدل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم. " (۲۹)

عقیده ما درباره اسلام و قرآن مجید

یکی از یاران از قول دوست غیر بهایی خویش نوشته است که بهائیان استغفرالله به دیانت مقدس اسلام و قرآن مجید و مظهریت حضرت رسول اکرم ص اعتقاد ندارند و حتی نعوذ بالله دشمن دین حنیف اسلام و مسلمین نیز می باشند.

اگر چه بطلان چنین قولی بر احبای عزیز الهی واضح و مبرهن است و لکن ما در این مجموعه با استناد به بیانات مبارکه ثابت خواهیم نمود که بهائیان عموم انبیای سلف را من جانب الله و کتب مقدسه تمام آنها را وحی الهی و دارای نیروی هدایت ربانی می دانند و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پیغمبر بر حق و خاتم النبیین و سید المرسلین و سند المقربین می دانند و قرآن مجید را وحی آسمانی و فاروق بین حق و باطل دانسته و با تمام وجود و از صمیم قلب محمد و قرآن را می پرستند و بعلاوه به امامت ائمه اطهار مقرر و معترف بوده و شیعه اثنی عشریه را فرقه بر حق می شمارند.

لازمه اعتقاد به مظهریت حضرت باب و حضرت بهاء الله اقرار و اعتراف به حقانیت دیانت مقدس اسلام می باشد. در حقیقت به عقیده اهل بهاء حضرت بهاء الله جل اسمه الابهی موعود جمیع کتب آسمانی از جمله قرآن کریم است و بهائیان جز مسلمانان واقعی و معتقدین حقیقی به اسلام و معترفین به موعود آن دیانت مقدس چیز دیگری نمی توانند باشند.

حضرت بهاء الله می فرماید:

" حضرت خاتم الانبیاء روح ما سواه فداه از مشرق امر الهی ظاهر و با عنایت کبری و فضل بی منتهی ناس را به کلمه مبارکه توحید دعوت نمودند. " (۱)

در جای دیگر می فرماید:

" و الصلوه و السلام علی مطلع الاسماء الحسنی و الصفات العلیا الذی فی کل حرف من اسمه کزرت الاسما و به زین الوجود من الغیب و الشهود و سمی بمحمد فی ملکوت الاسماء و باحمد فی جبروت البقاء و علی آله و صحبه من هذا الیوم الی یوم فیہ ینطق لسان العظمه المک لله الواحد القهار. " (۲)

در مورد قرآن مجید نیز می فرماید:

" شکی نبوده که قرآن من عند الله نازل شده و شکی هم نیست که کلمات الهیه مقدس بوده از آنچه توهم نموده اند. " (۳)

" هر کس تصدیق فرقان ننمود فی الحقیقه مصدق کتب قبل از فرقان هم نبوده. " (۴)

احبای عزیز الهی به خوبی می دانند که شدت علاقه و احترام بهائیان به دیانت مقدس اسلام به حدی است که حضرت ولی عزیز امرالله در سالهای گذشته به احبای آمریکا که عموماً مسیحی و یا کلیمی نژادند، رسماً دستور فرمودند که قرآن مجید را در مدارس تابستانه خود جزو برنامه قرار داده و تحصیل نمایند و این روش پسندیده هنوز نیز ادامه دارد.

در حقیقت بهائیان بزرگترین مبلغین دیانت مقدس اسلام در سراسر جهان می باشند و هم اکنون که این دیانت مقدس در بیش از هشتاد هزار مرکز امری در دنیا فعال می باشد، همه نفوس مردمی که به این دیانت ایمان آورده اند، اسلام و قرآن مجید را قبول نموده و به شارعیت و مظهریت حضرت رسول اکرم صلی اله علیه و آله معتقد و معترفند. تعداد ممالکی که در آنها امر بهایی منتشر گردیده ۳۳۵ کشور و تعداد قبائل و اقلیتهایی که مردم آن تا به حال به این امر اعظم گرویده اند، متجاوز از ۱۶۴۰ می باشد و تمام اینها در نتیجه تعلیم بهایی که به حقانیت اسلام معترف و مومن گشته اند. در تمامی مدارس و معاهد علمی بهایی در ضمن متون نصوص و الواح مبارکه و یا مستقلاً قرآن مجید تدریس و تحصیل می شود. آثار و کتب بهائی تا به حال حدوداً به ۸۰۰ زبان ترجمه شده و در همه آنها حقانیت قرآن و اسلام با دلائل مقننه اثبات گردیده است. خلاصه در هر کجای عالم، هر فردی از هر نژاد و قوم و قبیله با هر پیشینه مذهبی و اعتقادی که بهائی می شود، خود به خود به حقانیت پیامبر گرامی

اسلام نیز اعتراف می کند و بدیهی است که با پیشرفت روز افزون امرالله در سراسر عالم تمام این ارقام مستمرا افزایش می یابد.

احبای عزیز به خوبی می دانند که حضرت بهاءالله در ایقان شریف حضرت رسول اکرم را شمس نبوت و حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام را ماه ولایت توصیف فرموده اند و حضرت عبدالبهاء در مورد ائمه اطهار علیهم السلام می فرمایند: "ائمه اطهار مطالع الهام بودند و مظاهر فیض حضرت رحمن." و حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام را به "سلطان عرصه علم و حکمت و پادشاه کشور و لایت حضرت علی بن ابیطالب علیه التحیه و الثناء." و همچنین "بدر منیر افلاک علم و معرفت و نقطه مرکز دایره ولایت اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه التحیه و الثناء" و همچنین "پادشاه عرصه ولایت و عنقاء مشرق علم و حکمت حضرت علی بن ابیطالب کرم الله وجهه" و همچنین "بلبل بستان تمجید و عندلیب گلستان تجرید اسدالله الغالب علی بن ابیطالب کرم الله وجهه" ستودند.

و در مورد حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام همه ما می دانیم که چه زیارت نامه مفصل و لطیف و موثری از یراعه حضرت بهاءالله جل ثنائیه نازل شده و احباء در روز شهادت آن معصوم کربلا در کمال خلوص و صفا آن زیارتنامه را تلاوت می نمایند.

در کتاب ایقان در حق حضرت سیدالشهداء علیه السلام و اصحاب آن مظلوم می فرمایند: " جندی از حسین بن علی اعلی در ارض نبوده که اقرب الی الله باشد و آن حضرت بر روی ارض مثلثی و شبهی نداشت."

بنا بر آنچه ذکر شد طلوع دو نیر اعظم حضرت باب و جمال قدم در عالم با بشارات و اشارات کتب و صحف مقدسه سلف مخصوصا قرآن مجید منطبق است و مردم بعد از ایمان به دیانت بهایی ایمان و عقیده شان به اسلام راسختر و محکمتر و تشبث و تمسکشان به مقدسات اسلامی ظاهرا و باطنا شدیدتر و قوی تر می گردد و اعتقاد آنها به تعالیم اجتماعی امر بهائی از قبیل وحدت عالم انسانی، صلح عمومی، تحری حقیقت و ترك تقالید ترك انواع تعصبات، تطابق علم و دین، تعلیم و تربیت عمومی و غیره به حسب مقتضیات زمان و به مصداق و عود الهیه بوده و نفی اعتقاد عمیق آنها را به مبانی محکمه مقدسه اسلام نمی کند و از طرفی تغییر احکام فردی و اجتماعی نیز که از فروع دین محسوب می گردد بر پایه تغییر احتیاجات و مصالح زمان و مکان به ید قدرت الهی صورت گرفته و مبطل اصول دین که اعتقاد به خدا و حقانیت و مظهریت انبیاء الهی است، نمی باشد.

چه نیکو است که همه مردم دست از تعصبات و اختلافات قابل اغماض ظاهره شسته و رفتارشان نسبت به یکدیگر مصداق این بیان مبارک گردد که می فرمایند:

”... شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید لسان را
به سب و لعن احدی میالائید و چشم را از آنچه لایق نیست حفظ
نمایید. آنچه را دارا هستید بنمائید اگر مقبول افتاد مقصود حاصل و
الا تعرض باطل سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و نزاع... همه
اوراق يك شجرید و قطره های يك بحر. ” (۵)

نصوص مبارکه راجع به مقام دیانت اسلام و مقدسات آن

قرآن کریم

۱- حضرت بهاء الله می فرمایند: "شکی نبوده که قرآن من عندالله نازل شده و شکی هم نیست که کلمات الهیه مقدس بوده از آنچه توهم نموده اند." (۱)

۲- حضرت اعلی می فرمایند: "خداوند عز و جل از حکمت بالغه خود در ظهور محمد رسول الله حجت را قرآن قرار داده و این موهبت بوده که در حق هیچ امتی قبل از امت رسول الله نشده که آیه ای از کتاب حجت شد بر کل ما علی الارض." (۲)

۳- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "و نیز باید سعی نمایند که از منابع موثق و محل اعتماد که عاری از اغراض خصوصیه و آراء و مآرب شخصیه تدوین شده باشد، عرفان کامل و دقیق نسبت به اساس و تاریخ دیانت اسلام و مصدر و مطلع این امر ابدع اعظم حاصل نمایند و با روحی فارغ از اقطار و توهمات قبلیه، قرآن کریم

را که گذشته از آثار مقدسه حضرت باب و حضرت بهاءالله یگانه کتاب آسمانی و مصحف ربانی و مخزن کلمات الهی است که از هر گونه تصرف و تبدیل مصون و محفوظ مانده و مورد ثقه و اعتماد کامل می باشد با رعایت احترام و تکریم مورد فحص و تحقیق قرار دهند." (۳)

حضرت محمد (ص)

۱- حضرت بهاءالله می فرماید: "و الصلاة والسلام علی مطلع الاسماء الحسنی و الصفات العلیا الذی فی کل حرف من اسمه کنزت الاسماء و به زین الوجود من الغیب و الشهود و سمی بمحمد فی ملکوت الاسماء و باحمد فی جبروت البقاء و علی آله و صحبه فی هذا الیوم الی یوم فیه ینطق لسان العظمه الملك لله الواحد القهار." (۴)

۲- "حضرت خاتم الانبیاء روح ما سواه فذاه از مشرق امر الهی ظاهر و با عنایت کبری و فضل بی منتها ناس را به کلمه مبارکه توحید دعوت نمودند و مقصود آنکه نفوس غافله را آگاه فرمایند و از ظلمات شرك نجات بخشند..." (۵)

۳- "در خاتم انبیاء روح ما سواه فدا تفکر نمایید چون آن نیر حقیقی به اراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند..." (۶)

۴- "...و الصلاة والسلام علی مطلع اسمائه و مشرق صفاته و منبع علمه و مصدر امره و مظهر اوامرہ و احکامه الذی به ثبت حکم التوحید فی العالم و سر التفرید بین الامم به فتح الله باب الرجا لمن فی

الارض و اسماء و به ظهر النور و برز سر الطور لو لاه ظهرت اسرار
القدم و ما ارتفع شان الامم الذى سمي بمحمد في ملكوت الاسماء... " (٧)
٥- "الحمد لله الذى ارسل الحبيب برايات الايات و جبل من عنده
مبشرا ليبشر الكل بفضلته و رحمته الذى سبقته الارض و السماء هو
الذى بظهوره تزينت الارض و بصعوده و عروجه تشرفت الافلاك. به
جرت انهار المعاني و البيان في الامكان و ظهرت اسرار الرحمن بين
الاديان... " (٨)

٦- " و الصلاه و السلام على سيد العالم و عله الوجود الامم الذى به
نزل الله الفرقان... " (٩)

٧- حضرت عبدالبهاء مى فرمايند: " و التحيه و الثناء على الكلمه
الجامعه و الحقيقه الساطعه ديباج كتاب الوجود و فصل الخطاب في
اللوح المحفوظ و الرق المنشور. نبى الرحمه. كاشف النعم و ما هي ظلام
الضلال. فاشرقت الارض بنور ربها خاتم النبيين المخاطب به (و ما
ارسلناك الا رحمه للعالمين) عليه التحيه و الثنا الى ابد الابدین. " (١٠)

٨- " و اصلى و اسلم على الحقيقه النورانيه و الكلمه الرحانيه و
الكوكب الساطع و النير الامع سيد الوجود قدره الغيب و الشهود سيد
الكونين و نور المشرقين... " (١١)

٩- " چون نور محمدى طالع شد، ظلمت جهات از باديه عرب زائر
گشت. آن اقوام متوحشه در اندك زمانى به منتهى درجه مدنيت
رسيدند؛ چنانچه از مدنيت ايشان در اسپانيا و بغداد اهالى اروپا
استفاده مى کردند، حال چه برهاني اعظم از اين است... " (١٢)

۱۰- حضرت ولی امرالله می فرمایند: "شواهد مختلفه و قابل توجه که در تاریخ نبیل درباره روش و سلوک مبشر دیانت ما نسبت به موسس و ائمه اسلام و کتاب قرآن مذکور است و تکریمات جلیله ای که حضرت بهاءالله در کتاب ایقان راجع به حضرت محمد و اوصیای حقه او مخصوصا امام حسین فرید و وحید فرموده و براهینی که حضرت عبدالبهاء در کلیساها و کنیسه ها به کمال استحکام و بدون بیم و هراس علی رؤس الاشهاد برای اثبات حقایق دیانت پیغمبر اسلام اقامه فرموده و بالاخره شهادت کتبی ملکه رومانیا که در کلیسای انجیلی تولد یافته و با وجود بستگی نزدیک دولتش به کلیسای ارتودکس یعنی دیانت رسمی مملکت متبوعه او بیشتر بر اثر قرائت خطابات عمومی حضرت عبدالبهاء بر آن شده که اعتراف خود را به رسالت حضرت محمد اعلام نماید. تمام اینها بدون هیچگونه شک و تردید نظر حقیقی آئین بهائی را نسبت به دیانت اسلام معلوم و مشهود می سازد..." (۱۳)

ائمه اطهار

۱- حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "ائمه اطهار مطالع الهام بودند و مظاهر فیض حضرت رحمن لهذا کلام ائمه اطهار الهام رحمن دانیم." (۱۴)

۲- "در آیه مبارکه "اطیعواالله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم". مقصود از این اولی الامر در مقام اول و رتبه اولی ائمه صلوات الله

عليهم بوده و هستند و ایشان اند مظاهر قدرت و مصادر امر و مخازن علم و مطالع حکم الهی... " (۱۵)

حضرت علی ع

۳- "سلطان عرصه علم و حکمت و پادشاه کشور ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه التحیه و الثناء می فرمایند: "کمال التوحید نفی الصفات عنه. " (۱۶)

۴- "بدر منیر افلاک علم و معرفت و نقطه مرکز دایره ولایت، اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه التحیه و الثناء می فرماید... " (۱۷)

۵- "پادشاه عرصه ولایت و عنقاء مشرق علم و حکمت، حضرت علی بن ابیطالب کرم الله وجهه. " (۱۸)

۶- "بلبل بستان تمجید و عندلیب گلستان تجرید، اسدالله الغالب علی بن ابیطالب کرم الله وجهه به اکمل بیان واضح تبیان بیان نموده اند. " (۱۹)

امام حسین

۷- زیارتنامه سیدالشهداء خوانده شود

۸- حضرت بهاء الله می فرمایند: "هذا ما نطق لسان العظمة قوله جل جلاله: "بسمی المظلوم، یا حسین، در بلایای حسین تفکر نما. در ظاهر بلا می نمود و شدید و عظیم بود و لکن بحر رحمت از او موج و نور مبین از او مشرق و شمس فضل از او بازغ. شریعت غرای رسول الله را شهادت آن حضرت معین و ناصر شد. عمل آن حضرت به کینونت آفتاب آسمان فرقان بوده و حدیقه معانی را او ساقی و آبیاری... " (۲۰)

۹- "ملاحظه نمائید در صحرای طیف چه اهانت به حضرت سیدالشهداء روحی له الفدا و اهل عبا وارد. آن موارد، مصادر الطاف خفیه بود و آن جام بلا، کاس عطا آن زهر شهد بود و آن ذلت، عزت ملاء اعلی. تالان و تاراج سبب معراج گردید و قتل و اسارت، حیات ابدیت و آزادگی در جهان رحمانیت شد." (۲۱)

مآخذ و یادداشتها:

دیانت حقیقت است و حقیقت تعدد نمی پذیرد

- ۱- کتاب پیام ملکوت، ص ۱۹۶
- ۲- لوح مورخ جولای ۱۹۱۳ مندرج در کتاب پیام ملکوت، ص ۱۶۶
- ۳- همان، ص ۱۶۶
- ۴- گر چه جهان را فرجامی نیست.
- ۵- از خطابات عبدالبهاء مندرج در کتاب پیام ملکوت، ص ۱۸۹
- ۶- همان، ص ۱۸۹
- ۷- سوره نمل، آیه ۴۴
- ۸- سوره آل عمران، آیه ۹۵
- ۹- سوره نساء، آیه ۱۲۵
- ۱۰- سوره حج، آیه ۷۸
- ۱۱- سوره بقره، آیه ۱۳۰ و ۱۳۱
- ۱۲- همان، آیه ۱۳۲
- ۱۳- همان، آیه ۱۳۳
- ۱۴- سوره آل عمران، آیه ۵۲
- ۱۵- همان، آیه ۱۹

- ۱۶- همان، آیه ۸۵
- ۱۷- نك به كتاب ايقان ص ۱۲۶- ۱۲۸
- ۱۸- منطق الطير، ص ۲۴ چاپ ۱۳۵۳ ۰۰ ش به تصحيح دكتور محمد جواد مشكور
- ۱۹- سوره آل عمران، آیه ۸۴
- ۲۰- مفاوضات، ص ۳۶-۳۸ منطبعه ليدن از بلاد هند در سنه ۱۹۰۸ ميلادی
- ۲۱- كتاب پيام ملكوت، ص ۱۸۵
- ۲۲- مجله اخبار امری، ص ۲۵۰ شماره ۱۲ سال ۵۷- مضمون بيان مبارك: درود بر کسی باد که مطلع اسماء حسنی و صفات علیاست، غیب و شهود را به وجود مسعود او زینت داده و نام نامی او را محمد و احمد نهاده اند.
- ۲۳- مضمون بيان مبارك: خدایا به آنچه انبیاء و اصفیای تو از جمیع کتب و صحف آورده اند، شهادت دارم و ترا به حق اسرار کتاب خود سوگند می دهم که مرا از شفاعت سید رسل و هادی سبل برخوردار فرمائی.
- ۲۴- مجله اخبار امری، ص ۲۵۰ شماره ۱۲ سال ۵۷- مضمون بيان مبارك: خدایا از تو می خواهم که بندگان خود را به حق انبیاء و اصفیاء اولیای خود و به حق نوری که از افق حجاز بر جهان تابید و یسرب و بطحاء و سراسر دنیا را روشن داشت، موفق داری تا به ذکر و ثنای تو پردازند و بدانچه در کتاب خود فرمودی، عامل باشند.
- ۲۵- نك به كتاب ظهور عدل الهی، صص ۱۰۴- ۱۰۵
- ۲۶- به عنوان نمونه رجوع شود به كتاب مفاوضات، صص ۱۴-۱۹

- ۲۷- برای مطالعه این قبیل خطابات، ن ک به کتاب خطابات حضرت عبدالبهاء ج ۱ ص ۷۹-۸۷ و یا کتاب خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء صص ۱-۲-۴۸-۱۰۲-۱۰۱، ۱۵۸-۱۵۷ و ۱۷۳
- ۲۸- ن ک به زیارت نامه سید الشهداء در کتاب مجموعه الراح مبارکه صص ۲۰۲-۲۱۱
- ۲۹- سوره یونس، آیه ۶۴

عقیده ما درباره اسلام و قرآن مجید

- ۱- جزوه اسلام . دیانت بهائی، ص ۱۵
- ۲- همان ، ص ۱۴ - مضمون بیان مبارک: و صلوه و سلام باد بر مطلع نامهای نیکو و صفات بلند کسی که در هر حرفی از اسم او نامها موجود و به او تمام وجود از غیب و شهود زینت داده شده در ملکوت اسم ها به محمد و در جبروت بقاء به احمد موسوم گردیده و صلوه و سلام باد بر خاندان او و یاران او از امروز تا روزی که در آن لسان عظمت ناطق شود به اینکه ملک برای خداوند واحد قهار است.
- ۳- همان، ص ۸
- ۴- همان، ص ۱۰
- ۵- لوح بشارات

نصوص مبارکه راجع به مقام دیانت اسلام و مقدسات آن

- ۱- مجموعه اسلام و دیانت بهائی تألیف جناب فروتن ص ۴
- ۲- جزوه مختارات من النصوص
- ۳- جزوه تحقیق و تتبع
- ۴- مجموعه الواح مبارکه ص ۳ - مضمون بیان مبارک: و صلوه و سلام باد بر مطلع نامهای نیکو و صفات بلند کسی که در هر حرفی از اسم

او نامها موجود و به او تمام وجود از غیب و شهود زینت داده شده در ملکوت اسم ها به محمد و در جبروت بقاء به احمد موسوم گردیده و صلوه و سلام باد بر خاندان او و یاران او از امروز تا روزی که در آن لسان عظمت ناطق شود به اینکه ملك برای خداوند واحد قهار است.

۵- مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۰

۶- مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۷

۷- از آثار نشر نشده محفوظ در مرکز مقدس جهانی - جزوه معارف اسلامی ص ۴۱ - مضمون بیان مبارك: و درود و سلام بر مطلع اسماء خداوند و مشرق صفاتش و منبع علمش و مصدر امرش و مظهر اوامر و احکامش باد که به واسطه او حکم توحید و سر تفرید در عالم و بین مردمان ثابت گشت. به واسطه او خداوند درب رجا را بر روی اهل زمین و آسمان گشود و به واسطه او نور ظاهر شد و سر کوه طور داستان حضرت موسی بارز گشت. اگر او نبود اسرار جاودانگی در عالم ظاهر نمی شد و شان و مقام امم بلند نمی گشت. او که در ملکوت اسماء به محمد نامیده گشته است.

۸- از آثار نشر نشده... جزوه معارف اسلامی ص ۴۲ - مضمون بیان مبارك: حمد خداوندی را با پرچم های آیات فرستاد و او را از نزد خود مبشری قرار داد که کل را به فضل و رحمت الهی که بر زمین و آسمان پیشی گرفته است بشارت دهد. او حضرت محمد که با ظهورش زمین زینت یافت و با صعود و عروجش آسمان ها مشرف شدند. به واسطه او نهرهای معانی و بیان در عالم امکان جریان یافت و اسرار رحمن بین ادیان ظاهر شد.

۹- از آثار نشر نشده... جزوه معارف اسلامی ص ۴۳ - مضمون بیان مبارک: درود و سلام بر آقای عالم و علت وجود مردمان باد که به واسطه او خداوند قرآن را نازل کرد.

۱۰- مکاتیب مبارکه چاپ ۱۹۸۲ ص ۱۱۲- مضمون بیان مبارک: و سلام و ستایش بر کلمه جامعه و حقیقت تابنده باد. بر مقدمه کتاب وجود و فصل الخطاب در لوح محفوظ. او (حضرت محمد) که پیامبر رحمت است بر طرف کننده غم است محو کننده تاریکی گمراهی است و زمین به نور پروردگارش روشن گشت "خاتم الانبیاء که به بیان" و ما ترا جز برای رحمت عالمیان نفرستادیم" مخاطب گشت. بر او باد سلام و ستایش تا ابد الابدین.

۱۱- مکاتیب مبارکه ج ۲ ص ۳۱۵- مضمون بیان مبارک: و درود و سلام می فرستم بر حقیقت نورانیت و کلمه رحمانیت و ستاره درخشنده و نیر نورانی او (حضرت محمد) که آقای وجود است و غیب و شهود است آقای دو عالم و نور دو مشرق است.

۱۲- خطابه مبارک در معبد بزرگ یهودیان در سانفرانسیسکو ۱۲ اکتبر

۱۸۱۲

۱۳- توقیع قد ظهر یوم المیعاد

۱۴- مجموعه اسلام و دیانت بهائی تالیف جناب فروتن ص ۱۹

۱۵- مانده آسمانی ج ۹ ص ۴۷

۱۶- مجموعه اسلام و دیانت بهائی ص ۲۰

۱۷- همان، ص ۲۰

۱۸- همان، صص ۲۱-۲۰

۱۹- همان، ص ۲۱

۲۰- آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۳۱

۲۱- منتخباتی از الواح و آثار مبارکه مخصوص جلسات تذکر ص ۱۷۹